



فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهلیم - تابستان ۱۳۹۸ - از صفحه ۴۳ تا ۶۳

کاربرد مکر و مکراندیشی در حکایت های تمثیلی جانوران در مرزبان نامه

حسین عباس نژاد^۱، پروانه عادل زاده^{۲*}، کامران پاشایی فخری^۳

۱- آذربایجان شرقی، شهرستان تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

۲- آذربایجان شرقی، شهرستان تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

۳- آذربایجان شرقی، شهرستان تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

چکیده

حیوانات با ایفای نقش تمثیلی و نمادین جدای از اینکه، موجب غنای محتوا و جذابیت حکایت ها می شوند، شاعران و نویسندگان متون نظم و نثر از رویکرد تمثیلی نقش آنها، بیشتر برای تحقق اهداف اخلاقی، تعلیمی، اجتماعی و سیاسی سود می جویند. در این حکایت ها بیشتر از مصلحت اندیشی، حزم، مکر اندیشی، حرص و طمع، ترک هوی و هوس، تدبیر و عمل در کارها سخن می رود. در این مقاله، ملاک انتخاب حکایت ها حضور شخصیت های حیوانی فعال در حوادث و ماجراهاست. اغلب در این گونه حکایت ها شخصیت حیوان تنها سخن می گوید، گاهی مطابق طبیعت حیوانی عمل می کند و انگیزه های حیوانی دارد و گاهی انگیزه ها و اعمال نسبت داده شده به انسان را در بر می گیرد. هر حیل و چاره اندیشی مثمر واقع نمی شود، بلکه باید با مشورت خردمندان همراه باشد. در پژوهش حاضر که به شکل بنیادی بر اساس مطالعات کتابخانه ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، نشان داده شده است که مکر به صورت فریفتن حریف عملی می شود و قهرمان در اصل از یک خطای ادراکی او که مبتنی بر عادت است، استفاده می کند. این تحقیق برتری مکر و حیل را بر زور و قدرت و شجاعت گوشزد می کند و یادآوری می کند: آنان که با چاره اندیشی و تدبیر به مقابله با دشمن می روند، پیروزتر از کسانی هستند که تنها به تیغ تیز و زور بازو متکی هستند.

واژه های کلیدی: حیوان، تمثیل، مرزبان نامه، مکر، حکایت.

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۰

* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: Delzadehparvaneh@yahoo.com

hosseinabbasnezhad@yahoo.com

Pashayikamran@yahoo.com

مقدمه

مرزبان نامه کتابی است که واضع به زبان جانوران نهاده است. مانند کلیله و دمنه، و در قدیم الایام چنین رسم بود «که پندگویان و ناصحان هیچ گاه سخنی پوست باز کرده و راستاراست و صریح در موعظت و نصیح با بزرگان و مخادیم نگفتندی، و آن را بی اثر پنداشتندی و بهتر آن را می‌دانستند که هر پند و نصیحتی را در لباس کنایات و استعارات و تمثیل یا از زبان دیگران به ویژه جانوران ادا کنند.» (بهار، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۵)

«لطف تخیل و قدرت مضمون سازی و عبارت پردازی نویسنده را می‌توان در معانی وصفی و عاطفی، در سراسر کتاب مرزبان نامه به روشنی دریافت. توانایی فکری او در نوآوری و ابتکار به گونه‌ای است که می‌تواند ساده‌ترین معانی را به مدد ذوق خلاق و حس تخیل به صورت زیباترین مضامین شعری در آورد و از تناسب لفظی کلمات بر محتوای مفهوم بیفزاید.» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۵۲۸)

بیشترین تعداد از داستان‌های جانوران، با مضمون فایده استفاده از اندیشه در اجرای کار و پیش‌برد هدف، غلبه بر دشمن است. (همان چیزی که حیوان از آن برخوردار نیست.) «یکی از جوانب خردورزی تأمل و سنجیدن کارهاست؛ دیگری پیش‌بینی و دوراندیشی است؛ دیگری حزم و احتیاط است؛ دیگری مکر اندیشی است و ... در این حکایت‌ها غرض از خردورزی، اغلب چاره جویی و اندیشیدن در باره چگونگی دفع بلا یا رها شدن از چنگ دشمن یا کامیابی بر او و گاهی انتخاب راه سهل‌تر برای رسیدن به مقصود است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۳۷)

مکر، که در تعداد زیادی از حکایت‌های جانوری آمده است، ابزاری کارا در برابر قدرت و شوکت شخصیت‌های قوی و قدرت‌مند است، و قهرمان مکار و حيله گر با کمک اندیشه در صدد خنثی کردن بلای دشمن یا رسیدن به هدف است و اغلب موفق و پیروز می‌شود. تنها جایی که این سلاح کند و کارایی خود را از دست می‌دهد، هنگامی است که در برابر قضا و قدر و حکم سرنوشت قرار می‌گیرد. «مکر یکی از شعبه‌های به کارگیری خرد و اندیشه در عمل است و در بیشتر موارد خردمندی با مکر نشان داده شده است.» (همان: ۱۳۷)

در مجموعه حوادث و اتفاقات داستانی، جانوری که همواره مورد ظلم و تجاوز قرار می گیرد، از روی ناچاری متوسل به مکر و فریب می شود. به عنوان مثال موش در برابر گربه، زاغ در برابر مار و بنابراین در بیشتر موارد ضعیفان و مظلومان از این ابزار و سلاح استفاده به عمل می آورند، تا بر قدرت‌مندان، زورمداران و زورگویان پیروز شوند.

به طور کلی دشمنی و درگیری در عالم حیوانی امری ذاتی است، و حکم و قانون طبیعت چنین اقتضا کرده است که گربه دشمن موش و گرگ آکل گوسفند باشد. در حکایت‌های دارای مضمون فایده مکر، همواره عدالت شاعرانه حاکم می شود و ضعیف و مأکول بر شخصیت قوی، درنده و آکل به پیروزی می رسد، و این چیزی است که در عالم واقع بندرت اتفاق می افتد. دلیل این پیروزی و غلبه بر دشمن قوی را می توان مکر ورزیدن از سوی شخصیت ضعیف دانست.

در دنیای امروزی پژوهش گران با بررسی رفتارهای تعلیمی انسان‌ها، جانوران و موجودات متوجه صفات بسیار نزدیک حیوانات و انسان‌ها شده‌اند. این در حالی است که «بزرگان و خردمندان اقوام مختلف که به حق با دیدی روان شناسانه به رفتار حیوانات و ارتباط آنها با طبیعت و انسان پرداخته‌اند به زوایایی از وجود حیوانات و رفتارهای خاص آنها پی برده‌اند.» (پاشایی فخری، ۱۳۹۳: ۲۵) فابل‌ها داستان‌هایی هستند که بیشتر شخصیت‌های آنها حیوانات‌اند. و در آنها دو هدف مورد نظر است: «یکی: تعلیم اخلاقی و یا عرفانی، دوم: نقد سیاسی و اجتماعی، مثل داستان‌های کلیله و دمنه و مرزبان نامه.» (عباس زاده، جبّاری، ۱۳۹۴: ۱۱۲)

یکی از موضوع‌های محوری یا بنمایه‌ها در حکایت‌های تمثیلی یاد شده از مرزبان نامه، که با نگرش و رویکرد اجتماعی و سیاسی مطرح شده یا به نوعی جنبه اجتماعی آن آشکارتر است، مکر و نیرنگ است. موضوعی که با وجود گسترش فراوان، مورد غفلت بسیاری از محققان قرار گرفته و در برخی از کتاب‌هایی که در ارتباط با حکایت‌های مرزبان نامه به نگرش در آمده‌اند، توجهی نشده است. از این رو این پژوهش ضمن بررسی موضوع مکر و مکر اندیشی به تحلیل و بررسی جامعه شناسانه الگوهای رفتاری ظالم و مظلوم می پردازد.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام شده تا کنون در مورد مکر و مکر اندیشی در حکایت‌های جانوران در مرزبان نامه پژوهش‌هایی انجام نگرفته است؛ اما برخی از پژوهش‌ها به صورت غیرمستقیم به موضوع مکر و نیرنگ پرداخته‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- «مکر و چگونگی انتساب آن به خداوند» از محمد شریفی، نسرین اشتیاقی، فصل‌نامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۳-۲۷. در این مقاله مکر از صفات سلبیه خداوند شناخته شده است، و کاربرد این واژه در مورد انسان، امری طبیعی است. در تعریف جامع آن آمده است که مکر عبارت است از تدبیری پنهان برای ضرر رساندن به دیگران با ظاهری خلاف آن. با بررسی قرآن به دو نوع مکر اشاره شده است، مکر خداوند و مکر غیرخدا، مکر در قرآن ابزاری برای نیت‌های مذموم و خیر به کار می‌رود. مکر خداوند به معنای استدراج وقوع در عذاب است.

۲- «رفتار شناسی مکر و نیرنگ در جامعه استبدادی از نگاه مولانا، نویسندگان غلامحسین غلامحسین زاده، سید علی قاسم زاده، نشریه نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان) زمستان ۱۳۸۹، دوره جدید، شماره ۲۸ (پیاپی ۲۵)، از ص ۱۸۲-۱۵۷.

در این پژوهش مولانا مطابق آیات قرآنی با دسته بندی مکر و حيله به دو نوع کلی ممدوح و مذموم، ضمن تبیین پیامدها و تأثیرهای آن در جامعه، رفتار و افکار شخصیت‌های داستانی خویش را به عنوان الگوهای رفتاری هر جامعه در حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی به نمایش می‌گذارد.

۳- «مقاله تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب» نویسنده محبوبه خراسانی؛ کتابون مزدپور؛ طيبة ذنوبی، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، سال ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹- شماره ۲۹-۳۰ علمی- پژوهشی، از ص ۳۰-۹. در این مقاله سعی شده است با تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان قصه‌های هزار و یک شب ویژگی این قصه‌ها بررسی و به مسائلی که در این زمینه مطرح است مانند ساختار قصه‌ها، نوع و نتیجه کنش‌ها و انگیزه این مکرها پاسخ داده شود.

۴- «نگاهی به تمثیل های نمادین در مرزبان نامه» اثر مسعود پاکدل، معصومه میراب، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بوشهر، شماره پیاپی بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۴۰-۱۲۷.

۱- تعریف مکر

مکر در معنی لغوی به معنای «فریب، حيله و خدعه، بدسگالی و تلبیس و ... است.» (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۴۵: ۹۸۸)

نه او را مکر او را کس ببیند
چه بیند مکر او را مست و مجنون
به مکر و غدر میرد هر که دل را
به مکر و غدر دارد کرده معجون

(ناصرخسرو، ۱۴۵: ۱۳۷۸)

مکر در اصطلاح به معنی چاره اندیشی و غلبه بر دشمن، یا یک دشواری و گرفتاری با «مهارت هنر و وزارت دانش و یاری خرد و حصافت است.» (وراوینی، ۱۳۷۳: ۲۳۴)

در واقع مکر یعنی پنهان کردن کار و عملی که به فرد دیگری آسیب و ضرر می‌رساند، همراه با تدبیر و تقدیر. با توجه به تعاریف بالا این نکته شایان ذکر است که در تعریف مکر «اکتفا به چاره اندیشی در خفا و پنهان، صحیح نیست، چه آنکه ممکن است کسی در خفا چاره‌ای بیندیشد و تدبیری کند؛ اما قصدش نفع رسانی به کسی یا کسانی باشد. معمولاً در پس پنهان کاری، امری ناپسند خفته است و گرنه لزومی به اخفای کار پسندیده وجود ندارد که اتفاقاً یکی از راه‌های تشویق دیگران به کارهای پسندیده، آشکار کردن آن است. مثل سلام یا انفاق اموال، که هم مخفیانه و هم آشکار، مطلوب خداوند است.» (شریفی و اشتیاقی، ۱۳۹۴: ۲۹)

از این رو به نظر می‌رسد در واژه «مکر»، چند موضوع وجود دارد: «۱- پنهان نمودن ۲- ضرر رساندن ۳- داشتن ظاهری خلاف واقعیت. بنابراین می‌توان گفت: تعریف جامع مکر عبارت است از تدبیری پنهان برای ضرر رساندن به دیگران با ظاهری خلاف آن.» (همان: ۳۰)

کسی که مکر می‌ورزد «اغلب در موقعیت دشواری قرار دارد، مثلاً در چنگال دشمن قوی‌تر گرفتار شده یا از چیزی محروم گردیده یا نیاز طبیعی و غریزی (گرسنگی) در او شعله می‌کشد یا خود دچار مکر دیگری شده و در معرض هلاک قرار گرفته است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۳۹)

آنچه که باعث موفقیت مکر اندیش می‌گردد، وجود نقاط ضعفی نظیر حرص و طمع، نادانی و ضعف در برابر تمجید و تکریم، در فرد قوی‌تر است. بیشتر مکرها با دروغ‌گویی، نمایی، و ادعاهای بیهوده، اظهار توبه و ... عملی می‌شوند.

۲- فایده مکر

فایده مکر برای قهرمانی که به مکر متوسل می‌شود یا رهایی از مرگ است یا پیروزی و غلبه بر دشمن و راندن اوست، و یا رسیدن به طعمه و هدف (وقتی که قهرمان مکار و حیله‌گر، آکل دیگری است).

خداوند متعال در آیات متعدد قرآن تأکید فرموده است: که مکر و حقه و حیله و تقلب مکاران به ضرر خودشان تمام می‌شود و نه فقط آن‌ها به مقاصد دنیوی و مادی خود نمی‌رسند بلکه بر عکس، گرفتار نقشه متین، بزرگ و بدون اشتباه و خطای الهی شده، و دنیا و آخرت خود را هم از کف می‌دهند.

«در نظرگاه مولانا هر مفهوم یا مضمونی چه مادی و بیرونی و چه معنوی و درونی از صورتی دو گانه برخوردار است. مکر و نیرنگ یکی از آن مضامین دو گانه به شمار می‌رود که گرچه اغلب زشت و ناپسند است، اما گاهی مطابق مضامین قرآن در برابر ماکرین، رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد و نیکو و پسندیده می‌گردد. لذا از نظر او مکاری که در جهت مبارزه با نیرنگ و نیرنگ بازان ارائه شود پسندیده و ستودنی است.» (غلامحسین زاده و قاسم زاده، ۱۳۸۹: ۱۶)

۲-۱- مکر موش در حکایت موش و مار غاصب

در مرزبان‌نامه (باب چهارم) آمده است: گاو پای گفت: شنیدم که موشی در خانه ثروت‌مندی لانه درست کرده بود و از آن جا سوراخی به انبار و راهی به باغ باز کرده بود. روزی ماری اژدها پیکر و بسیار زشت به آن باغ آمد و از نزدیک خانه موش عبور کرد و همان جا را برای

آسایش و استراحت خود برگزید. موش آمد و او را دید و سخت هراسناک و دلتنگ شد. نزد مادرش رفت، و از او راهنمایی و چاره خواست، مادرش او را (موش را) به ترک خانه توصیه کرد. موش نپذیرفت و تصمیم گرفت با مار مبارزه کند. مکر و نیرنگی اندیشید و به مادر گفت: من این مار را به دست باغبان خواهم کشت، روزی به میان باغ رفت و باغبان را خوابیده دید. موش رفت و بر روی سینه باغبان جست، باغبان از خواب بیدار شد و موش فوراً خود را در جایی پنهان کرد. باغبان از شدت ناراحتی، با چوب به دنبال موش دوید و موش تا نزدیک مار که از سوراخ بیرون آمده بود رفت. باغبان چشمش به مار خوابیده افتاد و با چوب دستی خود، او را به هلاکت رسانید.

«علی‌رغم این که نویسندگان اثر با توسل به پند و اندرزهای گوناگون کوشیده‌اند رفتارهای اخلاقی و نیک را به مخاطب خود القا کنند، ولی طرح و ساختار بسیاری از این حکایت‌ها با این پند و اندرز سازگاری ندارد، در واقع برخلاف دیالوگ‌های اخلاق‌گرای اثر، بسیاری از شخصیت‌ها برای دست یافتن به اهدافشان از توطئه، فریب، حيله و فرصت طلبی و ... استفاده می‌کنند.» (دهقانیان، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

رفتار اخلاقی در این حکایت از سوی مادر موش، وادار کردن فرزند به ترک خانه، به منظور جلوگیری از تنش و برخورد با حریف بود که مؤثر واقع نیفتاد و موش برای رسیدن به هدف در از بین بردن دشمن به مکر و حيله متوسل شد. نکته دیگری که از سخنان و اعمال موش و مادرش بر می‌آید این است که «پیران محافظه کارند و به سبب احتیاط بیش از حد از حقوق خود می‌گذرند، اما جوانان سری پر شور دارند و برای رسیدن به هدف خود هر آنچه در توان دارند، انجام می‌دهند.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

این حکایت برای بیان برتری اندیشه و خرد بر قوت و قدرت آمده است، ضعیفان باید با مدد عقل و اندیشه در کارها وارد شوند. راه پیروزی و غلبه بر خصم و ظلم و ستم او در حق موش، بر روی موش بسته شده بود و او هرگز توان مقابله با چنین دشمنی که در فکر خوردن او بود، نداشت جز این که چنین مکرری بیندیشد و به دست دشمنی دیگر و قوی‌تر از مار، خصم را فرو کوبد. باید دانست که وقتی ناتوانان قدرت مقابله با ستمگران و زورگویان را نداشته باشند، از نیروی عقل، بردباری، و یاری بخت و توفیق، کمک و یاری بجویند تا به

هدف و مقصود خود نائل گردند. چه این که در مَثَل آمده است: «در کار، شکیبایی سزاوار و شایسته است و نه افسوس خوردن و مستی کردن.» (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۱۲)

۲-۲- انگیزه‌های قهرمان برای اقدام به مکر

در این حکایت اهداف موش به عنوان قهرمان زیرک، دلیر و حیله گر، رهایی از چنگال قوی‌تر (آکل)، انتقام گرفتن از دشمن قوی و ستمکار (مار)، به دست آوردن طعمه با کشتن مار به دست باغبان، رسیدن به پایگاه اجتماعی و مقابله با مکر و فریب دیگری است. به تبع این انگیزه‌ها، افراد مقابل مکر اندیش کم و بیش مشخص می‌شوند. «بیشتر مکرها مبتنی بر گفتار است (به ویژه وقتی قهرمان و ضد قهرمان مقابل هم قرار می‌گیرند.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۳۸۷) زمینه‌های اجرای مکر و عوامل مؤثر افتادن آن، اغلب نادانی طرف مقابل یا حرص و طمع یا بی احتیاطی و غفلت و غرور اوست.

از این حکایت می‌توان چنین برداشت نمود «مستبد از مردم شجاع، صدیق و حکیم می‌هراسد به این دلیل که صداقت و شجاعت یا امیال صادقانه و شجاعانه آنان ممکن است به استقرار آزادی یا حداقل به نوعی حکومت غیر استبدادی منتهی شود.» (اشتراوس، ۱۳۸۱: ۷۲)

۳- جواب مکر با مکر

۳-۱- خلاصه حکایت روباه و خروس

در باب ششم مرزبان نامه، داستان روباه و خروس که مضمون اصلی آن مکر و فایده آن است، به طور مختصر به شرح زیر بیان شده است: زیرک گفت: شنیدم خروسی جهان دیده که دام‌های مکر و حیله را پاره کرده و نیرنگ و فریب روباهان را مشاهده نموده و داستان حیله و مکر آنان را شنیده بود، وجود داشت. یک روز در اطراف دیهی به تماشای باغی رفت و شروع به خواندن آواز نمود و در آن نزدیکی روباهی صدای او را شنید، و به طمع گرفتن خروس و با شتاب بسیار به طرف او دوید و خود را به نزدیک خروس رسانید. خروس از ترس روباه بالای دیواری پرید. روباه از دوستی و دستور پادشاه مبنی بر ترک ظلم و عداوت آکل و مأکول و قوی و ضعیف سخن گفت. خروس بعد از سخنان روباه گردن دراز کرد تا دورتر را تماشا کند

و تظاهر کرد که چیزی دیده است. روباه پرسید، چه می بینی؟ خروس پاسخ داد، جانوری را مشاهده می کنم که از طرف صحرا به این طرف می آید. بدن او به اندازه ی گرگ است و دم و گوش های بزرگی هم دارد. از شنیدن سخنان خروس، سنگ یأس و نومیدی دندان طمع روباه را شکست و سخت آزرده گردید و پا به فرار نهاد. خروس گفت: تو که در باب ترک عداوت سخن می گفتی چرا می گریزی؟ روباه گفت: شاید این سگ، فرمان و دستور شهریار را نشنیده باشد، و از عهد و پیمانی که میان جانوران بسته شده است بی خبر باشد. مفهوم این حکایت، بازگشت عمل مکر به اهل مکر است. زیرا که اولاً تیر مکر و نیرنگ مکاران در نهایت به هدف نمی نشیند و انسان های بی گناه نظیر (خروس) را از پا در نمی آورد، و فرجام آنان را با اضمحلال و نابودی همراه نمی کند، بلکه مکاران و نیرنگ بازان را به رسوایی و افتضاح گرفتار می کند و از جانب افراد جامعه طرد می شوند. برای ختنی شدن مکر عناصر مکار و فریبکار، تلاش همه افراد به ویژه مدیران برای شناسایی این اشخاص ضروری می باشد. و این مهم تحقق نمی یابد، مگر با مراقبت و پرهیز از خوش باوری و سطحی نگری که در برخورد خروس با روباه کاملاً قابل درک است.

نتیجه ی دیگری که از این حکایت می توان گرفت «فایده ی حزم و احتیاط و اعتماد نکردن به دشمن ذاتی است، که این مضمون معطوف به شخصیت خروس است، اگر خروس به سخنان روباه اعتماد می کرد، هلاک می شد. خروس از مکر روباه علیه خود او بهره گرفت اما روباه هم که در اینجا چاره ای جز اعتماد به سخن خروس نداشت، (زیرا نمی توانست آن طرف دیوار را ببیند.)» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۵۰)

در اندیشه و تفکری که مرزبان نامه محصول آن است، روابط سیاسی پیچیدگی و ظرافت های خاص دارد. نوع تعامل در چنین جوامعی باعث شده، بازار شایعه، توطئه و فریب بسیار گرم باشد، و عامل انتشار شایعه و فریب ترس و وحشت از طرف و مقابل می باشد. سیاستمداران از شایعه به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف و مقاصد پشت پرده خود از آن استفاده می کنند. به همین علت از شایعه به عنوان جزئی از رفتارهای سیاسی نام برده اند. در این حکایت، روباه با شایعه دستور پادشاه، مبنی بر دوستی و ترک ظلم و عداوت در بین حیوانات، در فکر رسیدن به هدف خود، که شکار خروس بود می خواست برسد.

نوع عمل در این داستان واکنشی و نتیجه کلی آن پیروزی بر شخصیت مکار می‌باشد. زمانی که شخص از قدرت و اعتبار کافی برای اثبات ادعای خویش عاجز است، و بیان واقعیت او را به مقصود نمی‌رساند یا جان او را به خطر می‌اندازد، ناچار از دروغ مدد می‌جوید.

۱-۳- عکس العمل اجتماعی در برابر مکر و نیرنگ مکاران

مطابق نظریه‌های رفتار شناسی «رفتار آدمی همواره فراخور موقعیت خاصی است که به او این امکان را می‌دهد تا خود را با حال و هوای حاکم بر دنیای فردی واجتماعی وفق دهد یا به عکس العمل وا دارد.» (اشتراوس، ۱۳۸۱: ۳۴). یکی از آن موقعیت‌ها زمانی است که آدمی در محیط بسته و شرایط دشواری قرار می‌گیرد، فضای که عده‌ای را به سوی انفعال و برخی دیگر را به سوی جنب و جوش و تحوّل و تحول می‌دارد. اگر به این حکایت با دیدی ژرف‌تر بنگریم، این خصوصیات را می‌توان در رفتار شخصیت‌های خروس و روباه در این حکایت جوینا شد. «قشر عظیمی از ساکنان جامعه استبداد زده به دلیل حاکمیت جو اختناق و خشونت، راهی جز انفعال و سکون ندارند.» (غلامحسین‌زاده و قاسم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

چنانچه روباه در موقعیت ترس و وحشت از ناحیه آمدن سگ مواجه نمی‌شد پا به فرار نمی‌گذاشت و در صحبت با خروس سکون و آرامش را بر انفعال و عکس العمل ترجیح می‌داد. «گروهی دیگر، راه توطئه و فریب در پیش می‌گیرند تا بدین وسیله از رنج و ستم حکام مستبد در امان باشند.» (همان: ۱۷۳) عکس العمل مکارانه خروس در برابر روباه، نمونه‌ای از فریب کاریهای جامعه استبداد زده در این حکایت است، که خروس با توطئه و فریب، روباه را وادار به فرار کرد.

۴- زیان حيلة مکر اندیش، از مکر دشمن

در برخی از حکایت‌های جانوران، زیان مکر برای شخصیت مکر اندیش، ناکامی و شکست است (زمانی که دشمن هم در مقابل او متوسّل به مکر گردد)، یا حکم قضا و قدر الهی ایجاب کرده که قهرمان مکار شکست بخورد.

در حکایت شتربان و شتر در مرزبان نامه، شتری بارکش که مدت ها بار نمک حمل می کرد و سخت لاغر شده بود. یک روز شتربان، شتر را برای چرا در صحرا رها کرد تا به راحتی بچرد. خرگوشی که در روزگاران گذشته با شتر آشنایی داشت، در صحرا به احوال پرسید از هم دیگر پرداختند. خرگوش از وضع و حال شتر متعجب شد، و پرسید که ترا چه شده است؟ شتر شرح بارکشی طاقت فرسای خود را بازگفت. خرگوش گفت: وقتی رویداد ناگوار و پیشامد بلا آور را بتوان از خود دور کرد، در دفع آن نباید درنگ کرد و سستی نمود. تو را به حيله و نیرنگی راهنمایی می کنم تا از این گرداب اندوه و ناراحتی رهایی یابی. وقتی شتر با بار نمک از رودخانه می گذشت مدتی در آن می نشست تا نمک ها آب شود و بار او سبک گردد. صاحب شتر (شتربان)، که مکار و زیرک بود به حيله شتر پی برد و در سفری دیگر بر او پشم بار کرد. شتر از روی نادانی و ساده لوحی همان عمل را تکرار کرد، اما وقتی خواست بلند شود از شدت سنگینی جان به لبش رسید. از کار خود پشیمان شد و به زحمت به راه ادامه داد. از این داستان می توان نتیجه گرفت که دشمن نیز از اندیشه، مکر و نقشه بد ما غافل و بی اطلاع نمی باشد و دست به کار و عملی می زند که بتواند نقشه ما را خنثی و درد و رنج زیادی را بر ما تحمیل کند. در این حکایت می توان به ظلم و ستمی که از سوی انسان بر حیوانات روا داشته می شود، پی برد.

در هر صنعت وابسته به حیوانات که فکرش را بکنید به احتمال قوی سلطه ی انسانی به ما این مجال را داده است که بر حیوانات تفوق بیابیم و انگیزه این کار چیزی نیست جز انگیزه سود و میل به استفاده از نیروی کار و بدن حیوانات. فرنیسون در مورد استثمار حیوانات این بحث را مطرح می کند: «که ما به یک جنبش حقیقی نیاز داریم که بر لغو بهره کشی از حیوانات تمرکز کند و از وگنیسم به عنوان بنیاد خود بهره ببرد.» (تورس، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

۱-۴- فریب گر و فریب خورنده

صحنه آغازین این داستان، رنج و زحمت قهرمان مقهور و ناتوان را شرح می دهد. قهرمان با دوستی قدیمی مواجه می شود و از حال او ابراز تأسف می کند، و آن دوست برای نجات شتر از رنج فراوان مکاری به او می آموزد. قهرمان مکر را به کار می گیرد و مدتی احساس راحتی

می‌کند. اما سرانجام ضد قهرمان (شتربان) متوجه حيله او می‌شود و در برابر او مکر می‌اندیشد، و قهرمان به رنج و عذاب بیشتری گرفتار می‌شود. فریب‌گران نیز از طبقات مختلف اجتماعی تشکیل شده‌اند و هر کدام با انگیزه‌های متفاوت در پی اجرای حيله و مکر خود هستند.

در این حکایت، قهرمان ساده لوح (شتر) با به کارگیری مکر خود، چند صباحی احساس راحتی می‌کند ولی در مقابل مکر ضد قهرمان (شتربان)، قهرمان داستان (شتر) به رنج و عذاب بیشتری دچار می‌شود. از این داستان می‌توان نتیجه گرفت که یکی از حقوق مهم هر مسلمانی در حق مسلمان دیگر این است که او را فریب ندهد و با صداقت و یکرنگی با او رفتار کند؛ از همین رو اسلام به وحدت، یکپارچگی، صفا و صمیمیت در روابط افراد با یکدیگر چه در جامعه و چه در خانواده، فوق‌العاده اهمیت نشان داده و حتی فکر خیانت آمیز، توطئه، نیرنگ در بر خورد با برادران و خواهران را جایز نمی‌داند، بلکه آن را امری زشت و ناپسند معرفی می‌ند. «نیرنگ‌ها، سلاحی قوی و شمشیری برنده در رویارویی با هر قدرت و نیرویی که در مقابل نیرنگ کننده ظاهر می‌شود و به گونه‌ای او را تهدید می‌کند و یا آرامش و امنیت او را بر هم می‌زند؛ پس این نیرنگ‌ها، تنها در مقابل مردان نیست و خود زنان هم از این تدبیر هم‌جنسان خود بی‌نصیب نمی‌مانند. فریب‌گران از این مایه قدرت و جسارت برخوردارند که برای حفظ موقعیت خویش و تأمین خواسته‌ها حتی با شاه و خلیفه و مأموران دولت نیز رویاروی شوند.» (خراسانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵)

در ساختار کلی این حکایت، شتر قهرمان (ساده لوح)، خرگوش، مشاور قهرمان (مکر اندیش) و صاحب شتر، ضد قهرمان (مکار و زیرک) محسوب می‌شوند. در برخی حکایت‌ها پس از اینکه قهرمان داستان به حيله و مکر متوسل می‌شود، حادثه‌ای رخ می‌دهد که مکر او را خنثی می‌کند و گاه سبب می‌شود که نیرنگ او نتیجه عکس بدهد. البته تعداد این حکایت‌ها اندک است و هر کجا سخن از مکر می‌رود، شخصیت مکر اندیش در پایان ماجرا پیروز و موفق است. اما وقتی کسی غرور بی‌جا و غفلت آمیز دارد، مکرش بر وی وبال می‌شود. شتر در این حکایت دچار غفلت گردیده و تاوان آن را هم کشیده است. چنین حکایت‌هایی تمثیل احوال آدمیان هستند، گاهی عدم تأمل در عواقب کار (دور اندیش و عاقبت اندیش نبودن) و غفلت از

نتایج مکر، دلیل ناموفق و زیانبار بودن حيله محسوب می‌شود، یا حریف حيله گر، مکرتر از اوست و همین عامل سبب شکست و ناکامی او می‌شود. هدف از این داستان، آموزش دقت کردن و زود گول نخوردن، و نتیجه گیری که از این حکایت می‌توان کرد، در باور کردن حرف‌ها، زود تصمیم گیری نکنیم و دقت کافی داشته باشیم.

همچنین از آنجا که خداوند، محیط بر همه چیز است، احاطه کامل بر تمام مکرها را دارد و همه امور به دست اوست. علامه طباطبایی می‌گوید: «خداوند به مکر ایشان (دشمنان) احاطه و علم کامل دارد. مکر وقتی مکر است که از اطلاع طرف مقابل پنهان باشد. اما اگر زیر نظر او انجام گیرد و بتواند در یک چشم بر هم زدن نقشه او را خنثی کند، مکر علیه خود مکر کننده است.» (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۸۴)

زیان غفلت از مکر دشمن، لزوم دفع شر و زیان ظاهر بینی در این حکایت از نمود خاصی برخوردار است. در این داستان «توصیه به رضا دادن به قضا و تسلیم شدن به سرنوشت است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۶۸). دشمن را نباستی کوچک و غافل پنداشت؛ زیرا همانطور که تو مراقب اوضاع و احوال حریف و طرف مقابل خود هستی، او نیز مراقب توست و اگر تو حيله و نیرنگی به کار بستی باید متوجه باشی که او نیز از مکر بدور نیست. نباید چیزی را دید و از دیدن چیزهای بسیار دیگر غافل و بی خبر ماند. شتربان وقتی از مکر شتر باخبر شد، این مصرع را که ضرب المثلی است بر زبان راند: «حَفِظْتُ شَيْئاً وَغَابَتْ عَنْكَ أَشْيَاءُ» (یک چیز را نگاه داشتی و چیزهای بسیار از تو پوشیده ماند.) (وراوینی، ۱۳۷۶: ۵۱۱) و این گفته با مضمون اصلی و توصیه حکایت مناسبت دارد. این داستان، مختصر و بدون شاخ و برگ است. با این حال ترتیب حوادث به گونه‌ای است که هیچ نکته مبهم و نامعقولی در آن وجود ندارد، و از حیث ساختار با دیگر حکایت‌هایی که مضمون مکر دارند، همانند است.

۵- فایده اقدام عاجل (اغتنام فرصت) علیه دشمن از سوی شخصیت مکر

در حکایت مارگیر و مار در مرزبان نامه آمده است: که مارگیری برای گرفتن مار به کوه می‌رود. ماری را می‌بیند و مار چنان در تنگنا قرار می‌گیرد که امکان فرار برای او وجود نداشت. مار خود را به مردن می‌زند تا از قصد او ایمن بماند. مارگیر با خود می‌گوید حالا که

این مار مرده است، پس بهتر است مهره ارزشمند او را که خود سرمایه زیادی برای من خواهد بود، از پشت گردن او بیرون آورم. مار که این سخن مارگیر را شنید با خود گفت که مرگ من حتمی است و فرار هم سودی ندارد. بهتر است پیش از تسلیم شدن نیشی به او بزنم و کار خود را انجام دهم. پس همین که مارگیر دست خود را به سوی مار برد تا او را از زمین بردارد، مار نیشی زهرآگین به دست مارگیر زد و او را به هلاکت رسانید.

نکته تمثیلی تعلیمی داستان این است که: «نباید مرد عاقبت نگر و دوراندیش آن قدر به پس و پیش کارها بنگرد که وقت انجام کار و فرصت مناسب از دست او برود. بلکه باید هر چه زودتر و بدون هیچ گونه سستی و با اراده‌ای راسخ، کاری را که صلاح می‌داند به انجام برساند.» (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۹۸)

گوینده با بیان این حکایت قصد دارد مخاطب خود را به عجله در انجام کاری که در پیش رو دارد، تشویق کند. پیش از نقل حکایت، راوی می‌گوید: «مرد که از خصم قوی خائف است و لَحْظَةً فَلَحْظَةً به تَغْيِيرِ نَيْتِي و اندیشه اذیتي از او بر حذر، تسلی را از آن بلا و تَخَلِّي را از چنگال آن ابتلا چاره‌ای جز در قصد کلی ایستادن و زحمت وجود او را از میان برداشتن نتواند بود.» (وراوینی، ۱۳۷۳: ۵۸۸)

در این حکایت، مار به مکر متوسل شده است، اما آن مکر مؤثر واقع نمی‌افتد و مار از روی ناچاری و ترس از هلاکت خویش به چنین کاری اقدام می‌کند. «در پایان حکایت، اغتنام فرصت و تدارک کارها پیش از دست رفتن فرصت، از دوراندیشی و حزم دانسته شده است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۸۵)

این داستان در بر دارنده این موضوع است که چگونگی برداشت ما از هر دروغ یا حيله و همچنین چگونگی ارزش گذاری ما نسبت به هر نوع از این گونه اعمال بیش از هر چیز در گرو نحوه نگرش ماست. به طور معمول، ما حيله و نیرنگ بازی دوستان خود را ستایش می‌کنیم، ولی همان امر در مورد دشمنان خویش را ناپسند می‌شماریم. نکته جالب و مهم اینکه در جامعه‌ای که دروغ و فریب جزو سگه‌های رایج بازار آن است، آشنایی با فریب‌کاری برای ادامه حیات قهرمان، از ضرورتی حیاتی بر خوردار است، و کلام آخر اینکه آنجا که تمام جنگ

افزارهای آدمی از کار می افتد، فریب و خدعه، واپسین سلاحی است که می توان بر آن اعتماد کرد و به آن امیدوار بود.

در داستان مارگیر و مار، مار به عنوان قهرمان حکایت به چنگ دشمن (مارگیر) می افتد. اما مار با مکر و حيله (تظاهر به مردن) خود را از چنگ مارگیر خلاص می کند. همین حکایت را می توان برای مضامینی نظیر فایده دوراندیشی و احتیاط، زیان و طمع و فریب ظاهر را خوردن هم به کار برد.

سعدی هم در گلستان به موضوع حيله اشاره کرده است و گوید: «دشمن چو از همه حيلتی فروماند سلسله‌ی دوستی جنباند وانگه به دوستی کارهایی کند که هیچ دشمن نتواند.» (سعدی، ۱۳۷۴: ۱۷۴) یا می فرماید: «عرب گوید: آخِرُ الْحَيْلِ أَلْسَيْفٌ».

چو دست از همه حيلتی در گسست حلال است بردن به شمشیر دست

(همان: ۱۷۲)

پند و اندرز حکایت چنین بیان شده است: «مرد دور اندیش نباید که در پس و پیش کارها چندان بنگرد که وقت تدارک کارش فایت گردد، بلکه در آنچه مصلحت بیند، عزم را بی تهاون به انفاذ رساند.» (وراوینی، ۱۳۷۳: ۵۹۰)

۶- فایده تدبیر و مکر اندیشی

در حکایت موش خایه دزد با صاحب خانه، در باب هفتم مرزبان نامه آمده است: که مردی چند ماکیان داشت که تخم‌های آن‌ها را موشی حيله گر می ربود. مرد ابتدا به زن خود مشکوک شد که آن تخم‌ها را می دزدد، با این تصور، همسر خود را با چوب کتک می زد. زن متوجه شد که موش تخم‌ها را می دزدد. شوهر از مشاهده آن حالت، از رفتاری که در حق همسر خود کرده بود، اظهار پشیمانی نمود. مرد درویش همان لحظه دامی تهیه کرد و آن را در مسیر حرکت موش گذاشت و اتفاقاً همان شب، مهمان موش به دام افتاد و مرد. موش در فکر آن شد که انتقام میهمان و دوست خود را از صاحب خانه بگیرد و مکرری اندیشید: نزد کژدمی که با او دوستی داشت رفت و از او کمک خواست. موش و کژدم برای نابودی صاحب خانه و

هلاک او از سه قطعه طلای خالص به عنوان دام استفاده کردند و آن سگه‌ها را جلوی سوراخ ریخت و عقرب آن جا مترصد ماند. مرد، دست برد که سگه‌ها را بردارد عقرب زهر در جانش ریخت و مرد را هلاک کرد و موش به هدفش رسید.

این حکایت از زبان روباه به شیر نقل شده است و می‌خواهد به شیر بگوید: «وقتی موش با همه کوچکی و خواری خویش، از عهده چنان کار بزرگی بر می‌آید، بهتر آن است که ما با این امکانات و جاه و مقام، وقتی دست در رشته و ریسمان و کام بخشی حق آویزیم و چنگ در دستاویز تأیید آسمانی و الهی زنیم، می‌توانیم پاسخ این دشمن را با بهره‌گیری از مکر اندیشی موش جواب بدهیم و با تلاش و کوشش، کار را به سامان برسانیم.» (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۶۹)

بسیاری از حقیران بوده‌اند که در کارهای مهم با دشمنان بزرگ کوشیده‌اند و پیروز شده‌اند و به آرزویشان رسیده‌اند. موش در این جا نماد چنین اشخاصی است. «برتری تدبیر و مکر بر قدرت، مضمون این حکایت است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

در کتاب ادبیات داستانی آمده است: «در داستان‌های عامیانه هرگز دزدان و ریاکاران و مردمی که پیشرفت کار خویش را در دغلی و دروغ‌گویی و خیانت کاری می‌دانند پیروز نمی‌شوند و در تمام موارد رادی، راستی، جوانمردی، شجاعت و بزرگواری و زیرکی به حيله و مکر، جادو و خیانت، جاسوسی و دروغ زنی پیروز می‌شود و این مطلبی است که در هیچ یک از داستان‌های عامیانه استثنایی برای آن نمی‌توان یافت.» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۶۹) در مقایسه با این حکایت مرزبان‌نامه، در کتاب کلیله و دمنه، در داستان شیر و خرگوش نیز که خرگوش با حيله و مکر بیشتر، ظالم (شیر) را به ته‌چاه می‌افکند، «این حکایت از زبان دمنه برای کلیله فقط به قصد آن نقل می‌شود که ثابت گردد آنچه به حیل و مکر توان کرد، به قوت ممکن نباشد.» (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

قصه‌ها ندا دهنده تمثیلی عدالت و دادگری و راستی و درستی‌اند، و آرزوها و آرمان‌های مردمان نیک سرشت و خیرخواه، بزرگوار و انسان دوست را منعکس می‌کنند و عاقبت شوم انسان‌های بدکار و شرور و تبه‌کار را به نمایش می‌گذارند و به انسان‌ها عبرت می‌آموزند و پند و اندرز می‌دهند. این حکایت موش خایه دزد با صاحب‌خانه، فاقد عدالت شاعرانه است.

«صاحب خانه مستوجب چنین سرانجامی نیست، زیرا ظلم و ستمی مرتکب نشده و اگر هم کاری کرده، باعث آن خود موش بوده است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

در قرآن کریم نیز در آیات متفاوت به موضوع مکر و مکراندیشی اشاره شده است. از جمله در سوره بیست و هفتم، آیه‌ی پنجاه که در آن آمده است: «وَمَكَرُوا مَكَرًا وَمَكَرْنَا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قرآن کریم، ۵۰/۲۷)

میبدی در کشف الاسرار درباره‌ی مکر خداوند گوید: «مکر الله جز مصلحت را نباشد و غدر با آن نبود که الله پاک و تعالی است و منزّه از غدر کردن. این همچنان است که خود را -جلّ جلاله- کید گفت و آنگونه در آن کید از غرور پاک و منزّه است به خلاف مخلوق که کید او با غرور است و مکر او با غدر، پس مکر خالق به مخلوق نماند، همانمی هست، لکن همسانی نیست.» (کشف الاسرار، ج ۲: ۱۳۴).

صفات و رذایلی چون حسد، کینه، فتنه انگیزی، نمایی، بدگویی، دروغ، حرص و طمع، بی رحمی و ستمگری و ... همچنین فضایی مانند اتحاد و هم دلی، حزم و دوراندیشی، قناعت، راستی و اخلاص ... در حکایت‌های زبان فارسی بیشترین مضامین تمثیلی را در بر می‌گیرند. سود و زیان این صفات هم بیشتر در روابط متقابل به ویژه روابط مبتنی بر دشمنی نشان داده می‌شود. گاهی نیز در این حکایت‌ها نکته‌های اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است.

۷- نتیجه گیری

بدون شک یکی از بنمایه‌های رایج در داستان‌های مرزبان نامه، ویژگی «مکر و نیرنگ» است. موضوعی که تا به حال در پژوهش‌های محققان مغفول مانده است. بررسی جامعه شناسانه مرزبان نامه و تحلیل رفتار شخصیت‌های موجود در حکایت‌های این کتاب ما را به سوی این واقعیت هدایت می‌کند که مرزبان نامه را باید در شمار آثار بزرگ جامعه شناختی تمثیلی بشر به حساب آورد.

در کتاب مرزبان نامه، مسائل اخلاقی و همچنین نحوه‌ی رفتار و سیر و سلوک حاکمان و کارگزاران با مردم در قالب گفتگو و داستان‌هایی از زبان حیوانات و پرندگان بیان گردیده است. گر چه این حکایت‌ها در اصل از فرهنگ عوام برخاسته و شکل شفاهی داشته‌اند، اما

نقل و روایت و جمع آوری آنها از سوی نویسندگان و اهدای آنها به دربارها خالی از انگیزه‌های تمثیلی اجتماعی، تعلیمی و سیاسی نمی‌توان بود.

مکر، تدبیر و تأمل و مصلحت‌اندیشی اقتضای عالم سیاست و حکومت است. تأکید این حکایت‌ها بر این مسائل باعث می‌شود که اهل سیاست و حکومت مخاطبان خاص آن‌ها به شمار آیند. مهم‌ترین موضوعاتی که مشتمل بر به کار بستن خرد و اندیشه است عبارتند از مکر اندیشی و مصلحت‌اندیشی و عمل به اقتضای وضع و حال، توسل به حيله و مکر به ویژه زمانی که دشمن قوی‌تر است و امکان مبارزه رو در رو با دشمن وجود ندارد و یا مبارزه با طرف مقابل کاری خطرناک است، بهترین روش، مقابله و ایستادن در برابر حریف محسوب می‌شود. مکر در حکایت همیشه معنی منفی ندارد و در داستان در موارد بسیاری آن را یک امتیاز به شمار آورده‌اند، و در اصل نوعی فضیلت به شمار می‌رود. بنابراین تمثیلی عملی که مکر محسوب می‌شود یا مکر مبتنی بر آن است نظیر دروغ گفتن، فریب دادن و ریا کاری اغلب از ذمائم اخلاقی محسوب می‌شوند. حیوانی که همواره مورد ظلم و ستم است، به ناگزیر متوسل به مکر و حيله می‌شود. بنابراین اغلب ضعیفان و مظلومان مشمول این توصیه‌اند و مکر سلاحی است برای پیروزی بر قدرت‌مندان و زور مداران که در بسیاری موارد ضمن حکایت‌ها به این نکته اشاره شده است که مکر و خرد بر زور و قدرت برتری دارد و حکایت، مثالی برای این حکم است. با این وجود گاهی بزرگان و قدرت‌مندان نیز به مکر روی آورده‌اند.

با توجه به این حکایت‌ها، مکراندیشی نظام سلطه را باید عجز و ناتوانی در برابر همت و اراده نخبگان اجتماعی و سیاسی و یا گرفتاری در دام مکر فرو دستان فرصت طلب و بی‌ارادگی در برابر رفتار چاپلوسانه آنان دانست. از بررسی تمثیلی مکر این نتیجه حاصل می‌شود که باید به منظور جلوگیری از آسیب دشمنان به این نکات توجه شود: ۱. توجه همیشگی به توطئه‌های دشمنان ۲. بازگو نکردن راز جز در بین افراد خودی ۳. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به دشمنان.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. اشتراوس، لئو. (۱۳۸۱). روان شناسی استبداد، ترجمه محمد حسین سروری، تهران: نگاه.
۲. بهار، محمدتقی «ملک الشعراء». (۱۳۷۳). سبک شناسی، ج سوم، تهران: امیرکبیر، چ ششم.
۳. پاشایی فخری، کامران. (۱۳۹۳). جلوه های تعلیمی و غنایی نیش و نوش عقرب در ادب فارسی و اساطیر ملل، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. سال ششم، (ش پ: ۲۰)، تابستان ۹۳، ص ۴۴-۲۵.
۴. پور نامداریان، تقی. (۱۳۹۱). رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی، چ هشتم.
۵. تقوی، محمد. (۱۳۷۶). حکایت های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه.
۶. توریس، باب. (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی حقوق حیوانات، ترجمه گلناز ملک، تهران: مرکز.
۷. خراسانی، محبوبه و مزداپور، کتایون و ذنوبی، طیبه. (۱۳۸۹). تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه های هزار و یک شب، پژوهش های ادبی، سال هفتم، شماره ۳۰ و ۲۹، ص ۲۵-۲۰.
۸. خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). فن نثر در ادب فارسی، تهران: زوار، چ چهارم.
۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۴). لغت نامه، ج ۴۵، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۱۰. دهقانیان، جواد. (۱۳۹۰). بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه، پژوهش های زبان و ادبیات فارسی (علمی-پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، سال چهل و هفتم، دوره جدید، سال سوم، شماره یک، (ش، پ: ۹)، ص ۹۱-۱۰۴.
۱۱. سجادی، حسین. (۱۳۷۹). مجموعه کامل مرزبان نامه به زبان فارسی امروز، تهران: آرون، چ دوم.
۱۲. سعدی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۷۴). گلستان سعدی، مصحح غلام حسین یوسفی، تهران: خوارزمی، چ چهارم.
۱۳. شریفی، محمد و اشتیاقی، نسرين. (۱۳۹۴). مکر و چگونگی انتساب آن به خداوند، مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۴۳-۲۷.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، چ پنجم.
۱۵. عباس زاده، فاضل، جبّاری، مهدی. (۱۳۹۴). نقش تمثیلی حیوانات در روند داستان های شاهنامه، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر. دوره هفتم، (ش.پ: ۲۶)، زمستان ۹۴، ص ۱۳۲-۱۱۱.

۱۶. غلامحسین زاده، غلامحسین و قاسم زاده، سید علی. (۱۳۸۹). رفتار شناسی مکر و نیرنگ در جامعه استبدادی از نگاه مولانا، نشریه نشر پژوهی ادب و زبان فارسی (ادب و زبان سابق)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید با هنر کرمان، دوره جدید، شماره (پیاپی ۲۵)، ص ۱۸۲-۱۵۸.

۱۷. قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۷۸). **دیوان اشعار**، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، چ پنجم.

۱۸. منشی، ابوالمعالی، نصرالله. (۱۳۸۱). **کلیله و دمنه**، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر، چ بیست و دوم.

۱۹. میدی، ابوالفضل رشید الدین. (۱۳۷۵). **کشف الاسرار وعده الأبرار**، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، چ سوم.

۲۰. میرصادقی، جمال. (۱۳۹۴). **ادبیات داستانی**، تهران: سخن، چ هفتم.

۲۱. وراوینی، سعدالدین. (۱۳۷۳). **مرزبان نامه**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علی شاه، چ پنجم.





Applicarion spellbinding in animal stories in Marzbannameh

Hussein Abbas Nezhad¹, Parvaneh Adelzadeh^{*2}, Kamran Pashaei Fakhri³

1. Ph.D Student. Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tabriz,

2. Associate professor Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tabriz

3. Associate Professor Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tabriz

Abstract

Animals play an allegorical and symbolic role, apart from being rich in content and the attractiveness of the stories, the poets and writers of the texts of order and prose use their allegorical approach more to fulfill ethical, educational, social and political goals. In these tales, there is more than thought, passion, deception, greed, craziness, deceit, deception, and action in action. In this article, the criterion of the selection of stories is the presence of animal characters active in events and events. Often in these tales only the animal character speaks, sometimes it acts in the nature of animals and has animal motives and sometimes includes motives and deeds attributed to humans. Any trick and no means of thinking can not be done, but must be accompanied by the counsel of the wise. In this research, which has been done in a fundamental way based on library studies and descriptive-analytical method, it has been shown that the dictates are practiced as an opponent, and the hero originally derives from a perceptual mistake that is based on habit. This research points out the superiority of Squeal and Vile by force, courage and strength, and says that those who go to the enemy with a remedy and decree are more victorious than those who rely solely on the sharp fist and force of the arm.

Key words: Animal, Allegory, Frontier, Repetition, Anecdote.